

همشهری

حافظ
المنه لله که در میگذرد یاز است
زان رو که مرا بر در او روی نیاز است

صفحه ۱ از علیرضا پیراهنی

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرینی، شماره ۱۴
کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۴
تلفن: ۲۲۰۲۳۰۰۰، ۲۲۰۲۳۰۰۰۰، ۲۲۰۲۳۰۰۰۰۰۰

پدیرش آگهی: ۸۳۳۳۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰
توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نیون
تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

ایرانشهر:
مدیر: زهرا عباسی
تدوین: ...
مدیر: عباسی محمدی
مدیر: مریم سرخوش
سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری
داستانها:
مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خالقی
سرزمین من:
مدیر: محمد باریکاتی

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
شورنگار:
مدیر: پروانه بهرام نژاد
مدیر: مریم باقریور

اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی پور

تماشاگر:
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی فرسند

جامعه:
مدیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
مدیر: مصدود میر
مدیر: فاطمه عسگری نیا
۳۴ (سینما و تلویزیون):
مدیر: سعید مروی
مدیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
مدیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک:
مدیر: محمد علی حلیمی

یادداشت

چهارراه چارلی‌ها



علیرضا زمانی

تهران را سینمایی‌ترین شهر ایران و شاید خاورمیانه باید بنامیم. خوب که به کوچه کوچه و محله محله تهران، این شهر فیلم آرزوها، نظر بیفکنیم سینماگران سرزمین مان را می بینیم که در خاکش تولد یافته، قد برافراشته و کنار بچه محل های جورواجورشان مشق شهروندی کرده اند. آنگاه به مدد هفتمین هنر از هنرهای عالم، رسالت شهروندسازی در این شهر و سرزمین را آغاز کردند.

در این میان، محله خزانه بخاریسی هم افتخار آن را دارد که یکی از ستارگان سینمای ایران در خاک آن نشوونمو یافته و به آن هویت بخشیده است. این ستاره سینما همانا پرویز پرستویی است که در چهارراه چارلی های این محله و کاخ جوانان باغ آذری اش قد کشید و نام برادر شهیدش، بهروز پرستویی را به یادگار روی یکی از خیابان های این محله به یادگار باقی گذاشت؛ همان خزانه هایایی که از روستای چارلی همدان بودند و ساکن تهران شدند و ستاره های بزرگ به سان چارلی چاپلین را به سینمای ایران هدیه دادند.

چهارراه چارلی ها نه یک تابلو و نه یک نام شهری، بلکه نامی است که اهالی خزانه بخاری به یکی از چهارراه های این محله اطلاق می کنند و به جز خود و ساکنان دیگر محله های اطراف، کسی از وجود چنین چهارراه و چنین نامی چندان اطلاعی ندارد. در سال های دهه ۴۰ که مرحوم خزانه زمین هایش را تقسیم کرد و در اختیار مهاجران جدید شهر گذاشت، عده ای از اهالی روستای چارلی کیودر آهنگ همدان ساکن این محله شدند. پرستویی هنرمند هم که بازی درخشانش در آژانس شیشه ای تا باید در خاطر ما تهرانی ها باقی خواهد ماند، همراه خانواده راهی خزانه بخاری شد. چهارراه چارلی های خزانه در واقع پاتوق محلی اهالی چارلی در این محله بود؛ پاتوقی که از آن تنها نام و خاطره ای در خاطر خزانه های تهران باقی مانده است.

سوزه روز

گفت و گو با تلفن همراه
حین رانندگی ممنوع!

رانندگی، دنیای لحظه هاست و به شش دانگ حواس شما احتیاج دارد؛ حالا اگر حین رانندگی، با یک گوش، به موسیقی بخش شده از رادیو پیام گوش دهید و در همان لحظه، با گوش دیگر و با گوشی تلفن همراه، مشغول احوال پررسی با دوست خود باشید، بعید است در بزنگاه های رانندگی بتوانید تصمیمی درست بگیرید.

پلیس راهور تهران بزرگ معتقد است یکی از مهم ترین دلایل تصادف های درون شهری، گفت و گو با تلفن همراه حین رانندگی است. رئیس مرکز اطلاع رسانی پلیس راهور تهران بزرگ، این روزها به قانون جدیدی برای رفع این مشکل اشاره کرده و گفته برای تخلف گفت و گو با تلفن همراه حین رانندگی با سرعت بالاتر از ۶۰ کیلومتر بر ساعت، ۴۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و ۳ نمره منفی برای خودروهای شخصی و ۵ نمره منفی برای رانندگان وسایل نقلیه عمومی در نظر گرفته شده است. کاش باور کنیم قوانین راهنمایی و رانندگی، تنها برای حفظ سلامت ما وضع شده، پس به آنها احترام ویژه بگذاریم.

در دنیای تو ساعت چند است؟

موزه تماشاگه زمان در محله زعفرانیه، یکی از زیباترین موزه های تهران است



فاطمه عباسی

جایی در محله زعفرانیه تهران عمارتی ۸۰ساله اما باشکوه در میان باغی باصفا و درختانی سر به فلک کشیده جا خوش کرده است؛ اینجا موزه زمان است که بی تردید یکی از زیباترین موزه های تهران محسوب می شود. در زیبای

باغ با شیشه های رنگین تزئین شده و پس از طی مسیری کوتاه از میان درختان کم کم عمارتی با عظمت پدیدار می شود. در مقابل این خانه حوضی زیبا قرار دارد که وجود چندین ساعت قدیمی در آن خیر از ماهیت این موزه می دهد. در موزه زمان انواع زمان سنج ها، ساعت ها و گاه شمار های مختلف نگهداری می شود.

ساعت های منحصر به فرد

موزه تماشاگه زمان برای علاقه مندان به ساعت های قدیمی و منحصر به فرد یک بهشت واقعی است. این موزه نخستین موزه ابزار سنجنش و نمایش زمان در ایران است که به عنوان یکی از جاهای دیدنی تهران در سال ۱۳۷۸ با انواع و اقسام ساعت های قدیمی ایرانی و خارجی از کشورهای فرانسه، سوئیس، انگلیس و آلمان افتتاح شد. ساعت های اهدایی، ساعت های رجال سیاسی، ساعت های لوکس و دکوری قدیمی، ساعت های مکانیکی بیواری، رومیزی، جیبی و مچی و غیره در این موزه حسابی خودنمایی می کنند. در میان این ساعت های ارزشمند می توان به ساعت پروفیسور محمود حسانی، جمشید مشایخی، شهید آوینی، مهدی باکری، داوود رشیدی و مصطفی رحماندوست اشاره کرد. آثار هنری گلاز هوشنگ فروتن نیز در طبقه دوم قرار دارد؛ آثاری ساخته شده از قطعات بلااستفاده ساعت که موجب خلق آثاری هنرمندانه و زیبا شده است. در بخش دیگری ابزار تعمیرات ساعت مثل جاقو، عقربه کش، آچار، سمسمه، سمیه دان و... در ویترینی زیبا به تماشا گذاشته شده است. شاید جالب باشد که بدانید ساعت آفتابی ناصرالدین شاه و ساعت های احمدشاه و مظفرالدین شاه نیز در این موزه نگهداری می شود.



معماری تاریخی

نگارخانه موزه نیز در طبقه دوم قرار دارد. در این نگارخانه آثار برخی هنرمندان به نمایش گذاشته شده است. گالری موزه زمان هم از دیگر بخش هایی است که با قرارگیری در محوطه موزه برای ارائه آثار هنرمندان، زیورآلات و صنایع دستی راه اندازی شده است. حیاط این موزه نیز در نوع خود جذاب و دیدنی است؛ به خصوص به خاطر وجود ساعت آفتابی، ساعت شنی، ساعت آبی و ساعت سوختی از دوره های مختلف تاریخی که لذت گردش در محوطه را دوچندان می کنند. با این همه شاید آنچه در نگاه اول چشم هر بیننده ای را به خود خیره می کند، جلوه های زیبای هنر و معماری ایرانی نظیر گچبری های نقوش اسلیمی، آجرکاری و مقرنس کاری، معرق کاری های روی دیوارها، گره چینی پنجره ها و درها و... است. این خانه و موزه زیبا در سال ۱۳۸۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.



داستان بازسازی

شاید باورش سخت باشد که عمارت زیبا و دلربای موزه تماشاگه زمان که امروز صدها ساعت تاریخی و منحصر به فرد را در دل خود جای داده است، یک روز بنایی خشت و گلی و فرسوده بود. پیشینه این عمارت به دوران محمدشاه قاجار برمی گردد؛ یعنی به همان دوران که این عمارت زیبا بنایی خشت و گلی بود که در یک باغ وسیع قرار داشت. داستان بازسازی این عمارت و نونوار شدن آن با تاجری معروف به نام حسین خداداد، صنعتگر و مالک میدان باغ مرکزی تهران گره خورده است. خداداد سال ۱۳۴۶ باغی ۶ هزار مترمربعی از اراضی باغ فردوس را از معیرالممالک، داماد ناصرالدین شاه خرید و با بهره گیری از بهترین استادان گچبری و کاشیکاری این عمارت را طی بیش از ۱۰ سال مرمت کرد. پس از یک دهه تلاش معماران زبردست ایرانی، عمارت حسین خداداد در سال ۱۳۵۶ با ترکیبی از معماری ایرانی دوره قاجار و معماری مدرن تکمیل و به محل زندگی خانواده اش تبدیل شد. این عمارت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت و از سال ۱۳۷۸ به نخستین موزه ساعت ایران تبدیل شد. برای بازدید از این موزه جذاب به طولانی ترین خیابان تهران یعنی خیابان ولیعصر بروید. در زعفرانیه، ابتدای خیابان شهید فلاحی درهای زیبای ورودی این باغ جلوه گری می کند. اینجا است که وسوسه می شود با به دنیای این عمارت زیبا بگذارد و ساعاتی غرق در سفری جذاب شوید.



شهرت انجیرهای یوسف آباد



این محله...

فکر می کنید وقتی فصل سیدروس طباطبایی پور

ناصرالدین شاه قاجار به کدام محله در حوالی تهران می رفت تا انجیر نوش جان کند؟ بله! محله باصفا یوسف آباد که در آن روزگار، سرشار از آب و آبادانی بود. جناب شاه، سالی یکبار همراه با درباریان، مهمان یکی از آبادی های جناب میرزا یوسف مستوفی الممالک آشتیانی به نام یوسف آباد می شد، زیرا جناب مستوفی، خودش انجیر دوست داشت و با دست خود، بهترین درختان انجیر را در یوسف آباد کاشته و طعم شیرین آنها زیر دندان شاه مزه کرده بود.

قبول که الان، فصل انجیر نیست؛ اما گشت زدن در محله قدیمی یوسف آباد، حتما شیرین و دوست داشتنی است.

تاریخش

میرزا یوسف مستوفی الممالک در درباریان قجری و مورد اعتماد امیرکبیر بزرگ بود، اما در آب و آبادانی، دستی به خیر داشت؛ انقدر که برخی محله های تهران به همت او آباد شده؛ محله هایی چون حسن آباد، بهجت آباد، عباس آباد و...

یکی از این آبادی های او، یوسف آباد بود. زمین های این محله روی بلندی بود و از شمال به ونک، از شرق به عباس آباد و از غرب به امیرآباد محدود می شد. مستوفی الممالک، اراضی یوسف آباد را از دولت گرفت تا در آبادانی آن بکوشد. یکی از ویژگی های منحصر به فرد این محل، نهراها و قنات های یوسف آباد بود که اراضی و باغ هایش را سیراب می کرد.

البته نباید این محله را با یکی از غربی ترین دروازه های تهران قدیم اشتباه گرفت؛ دروازه ای که در محل فعلی تالار وحدت قرار داشت و نام آنجا هم یوسف آباد بود.

آسیابش

هرجا فراوانی آب باشد، آسیاب هم هست و چرخش برای اهالی محل می چرخد. یوسف آباد هم از این قاعده مستثنی نبود. به نیست بدانید آسیاب آبی یوسف آباد، بعد از حدود ۱۵۰ سال، تنها آسیاب سنگی به جای مانده از دوران گذشته است که هنوز از نابودی در امان مانده است. این آسیاب در سال ۱۳۸۶ در فهرست آثار ملی قرار گرفت.

پله هایش

چون این محله از همان ابتدا بر فراز بلندی قرار داشت، به پله هایش نیز معروف است؛ پله هایی که اهالی اش را به خیابان هایی مثل خیابان ولیعصر (عج) می رساند. پله اول این محله، قدمتی ۱۰۰ ساله دارد.

شقیش

بوستان شقیف، به خاطر فضای غیر هم سطح و پیچ و تاب های منحصر به فردش، یکی از جاذبه های محله یوسف آباد است. می گویند گودی که امروز در آن وسایل بازی کودکان قرار دارد، در گذشته، گودال دفن بخشی از زباله های تهران بوده است. بنیانگذار این بوستان، «صادق رضازاده شقیف» بود که در تهیه و تصویب منشور سازمان ملل متحد هم نقش داشته است و طراح و معمار آن، کامران دیبا، نقاش، شهرساز و معمار مشهور بود. در این محله کتابخانه و فرهنگسرای این بوستان باصفا نیز جوانان و نوجوانان محل را جذب خود می کند.

امروزش

این روزها محله یوسف آباد، طرفداران پروپاقرص خودش را دارد. یکی از دلایل آن، دسترسی این محله به بزرگراه های شهر است. از فروشگاه های مدرن، قنادی های مشهور و مرکز فرهنگی، نمایشی گریز این محله هم نمی توان به راحتی گذشت.

